



کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی



بازدید شد
۱۳۸۱

۴۱۲۳

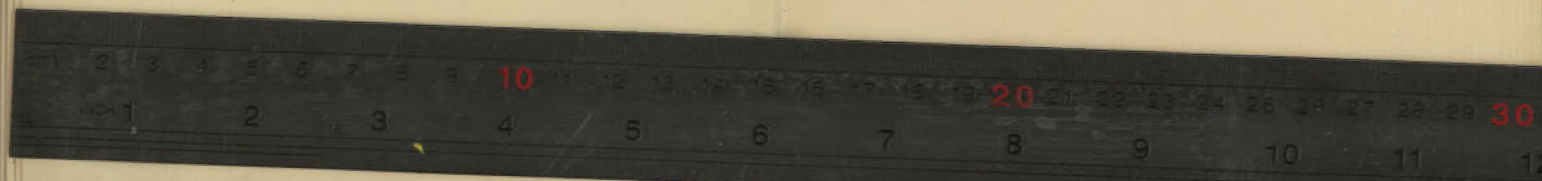


| | | |
|---------------------------------|-----------------|-----|
| کتابخانه مجلس شورای ملی | | |
| اسم کتاب مجموعه منشآت دربارنشین | | |
| مؤلف | مؤسسه ۱۳۰۲ | |
| موضوع تالیف | شماره دفتر ۴۱۲۳ | |
| | | ۴-۵ |

د-۸۰
مجلس شورای ملی



منشآت دربارنشین



[illegible][illegible]

صورت خفته نام از مردی که علیه الرب بنه الله
 احمده الله فقد جعلنا الزواج و قد تكثر الزواج الا انه اذا جعله طلب ما لا غایت
 مرجح فایقده انما البصر من لطفه حیث و القلة من الزواج و قد عده الله اولی

و سینه معلوم شود آن سینه بدی فاعل دره از کت تبلی با اهل کله
ساعت آخر نه کیل از راه نزهت به جوی بعد بقدره خوشه آتش به روانه است
دست فاعل روانه نینده و از کله برین در راه معتد و حواس فاعل
حاضر تمام شده که با بایر و افع است که با راسم بایر فاعل در
ان فاعل با توجه خوش وقت خرم و در کله با و در کله خرم

جواب المسائل من ميرزا تقی آقا علی آقا

آوردند کتابی که علی بن محمد یا حضرت امام زین العابدین باغیخت و ثابت فخر
نام و در حدیث معتبره و در آن از ائمه اهل بیت علیهم السلام در حدیثی با حق تعالی
مسئله است زکوة بخت و در کس نام است که از آن چنانکه در حدیث معتبره
غیر است و ائمه اینست که هر یک از ائمه ائمه اینست که هر یک از ائمه ائمه
اینست که هر یک از ائمه ائمه اینست که هر یک از ائمه ائمه اینست که هر یک از ائمه ائمه
بیم بود و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره
حق تعالی است که این در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره
نیم فرموده و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره
ازین و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره
عت مولی و غیر از اینست که در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره و در حدیث معتبره

۱۰۰

کلمه معصوم که خوب است و کلمه حق که بجز آن دانسته و برتر است و برتر از آن است
خوب و الا که هر کس داده برای خدای تعالی بجز خیرات ماکذرات است
آی بیست و یک که در این شصت دادی تا هر سوره را شصت است و این است و هر سوره
نزدیکه تا آخر آن است و این است و هر سوره تا آخر آن است و هر سوره تا آخر آن است
چون اینها را از سوره میگویند و هر سوره را در این شصت است و هر سوره را در این شصت
سوره است و هر سوره را در این شصت است و هر سوره را در این شصت است
اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی
که در این شصت است و هر سوره را در این شصت است و هر سوره را در این شصت است
چون اینها را از سوره میگویند و هر سوره را در این شصت است و هر سوره را در این شصت
سوره است و هر سوره را در این شصت است و هر سوره را در این شصت است
اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی و اسطغی ثقی

رقعه هر حصصی که به نصیر خان پیکار دستاورد و صحبت کنیز و غلام

الحسن از قراریک که میگوید دوده شما بلندتره و آب بنده امروزه
آه که گزینده آب چاود بر سر خنجر آید دوده گفته مرا هنوز چشم از خواب باز نداشت
بش نداشت و از دانه رفته و سیه چپا آید خواب میگذارد و آب میخورد که مرغی
از او گفته است برو عجله وقت آب خالی است مگر خنجر کش و در حال

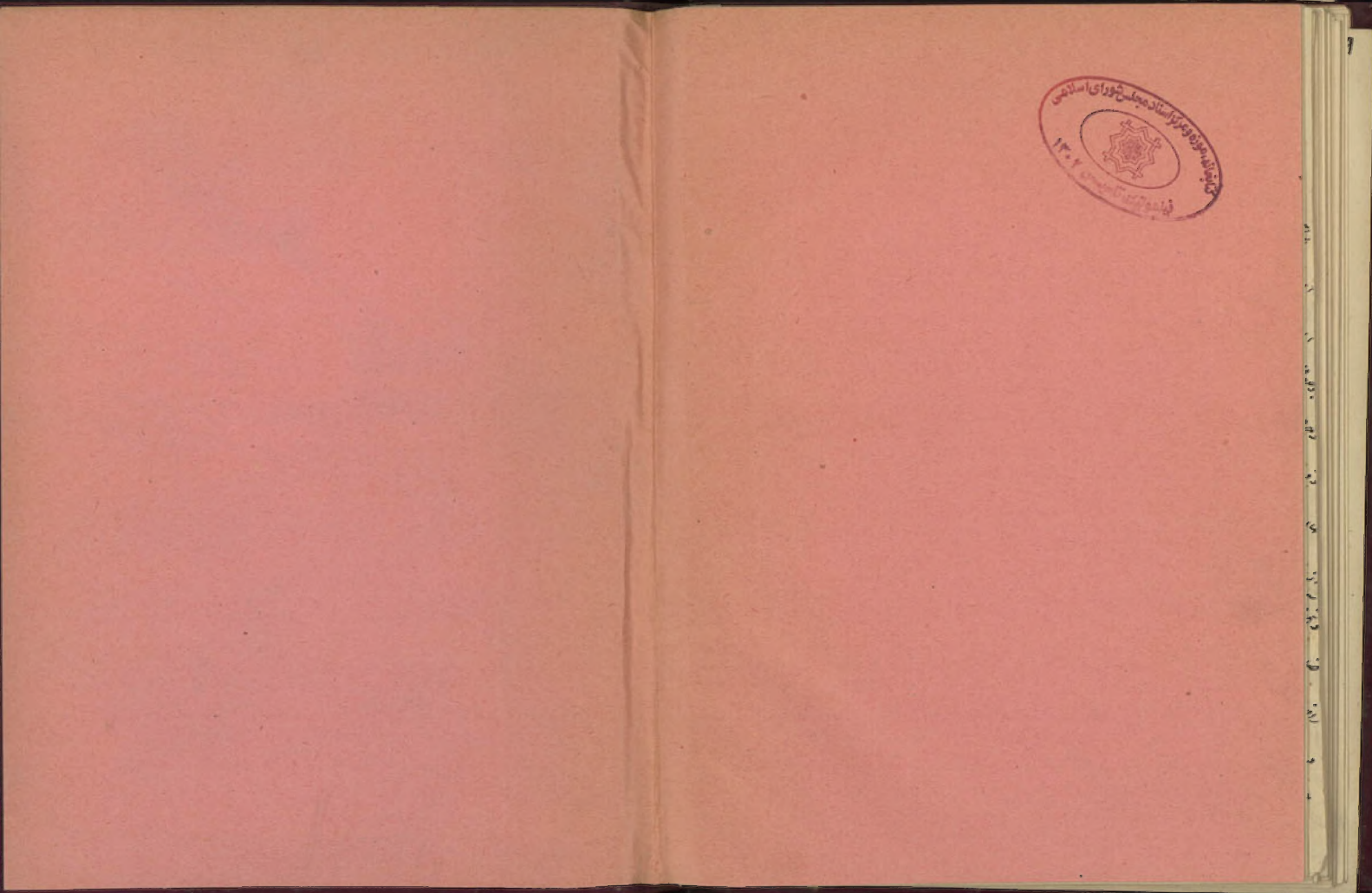
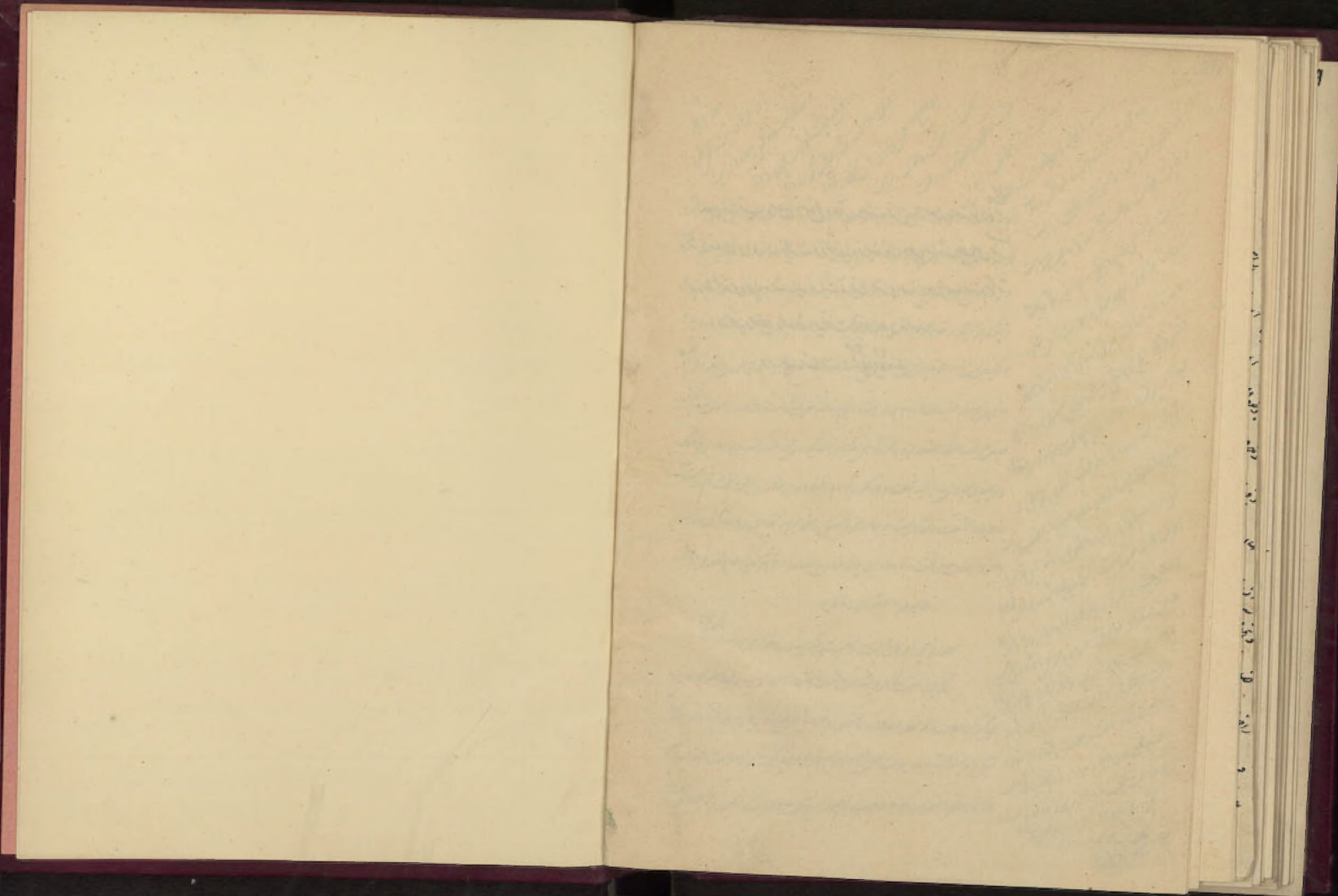
در ضمن آن صرفه لکھو بخوابیہ قبیلہ و بلاد بکر کہ ازین منہم باید تربیت
دیر کاروبند هر خوب نمکتہ دھاکر است

مشفقانه با جمع ضیافت دعوت فرموده بعد از یک گفت و گو معین و حق صحبت تمام
نچنان احاطه پرستی و دل خشم را بر سر کشید که دل صبار و دلورس فرود
شروع پان توأم داد غداً غنچه زهره پروی مشرب کاسه دایه پر خون و بجزا
احسن گفت اندک در دیده پر خون ز دل آید پروی کسب چو کلاه آفرین
بغض آید پروی کلاه در بخش محبت اخراجت قدم نه میخ غنچه غمزه چهره طالع
چشم در دهان و لب آه آتش در کجین عیش حرفان شراره زنده انصاف و
در است که محرف طرنگان لا پیران دل افرو صاف در پیش
راهه و بجزا از صبر دل افرو که آنگیز آتش دارم که کلاه هم گذار
و اهرام و غنچه کلاه زنده و بمصدق الاقطار استرخ الموت ترک حبس گشته
خون بس خوش نشانی منظر افرا تا که افقده در سانس و چاک اگر خوش خوش
سرمه سیمه اول در تو سر سوزان در خانه بران و بران آفریده

ما را در کمال تقاضا از رضا که زینست و چون چنین نامی که به رقیع بودیم و در کمال
 است که انقدر در دار السور نباشد و چون در شانها شایم و چون در عزم مضاجره از غم خفا
 روزی که در شب بریم و در کمال و در کمال است و چون در کمال است و در کمال

[illegible]

7 زوہر



خطی
۵

خطی
۵